

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی
در سومین نشست اندیشه های راهبردی با موضوع

زَن و خانواده



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی با موضوع زن و خانواده

نویسنده:

آیت الله سید علی خامنه ای

ناشر چاپی:

زائر - آستانه مقدسه قم

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی با موضوع زن و خانواده
۶	مشخصات کتاب
۶	اشاره
۳۸	درباره مرکز

بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی با موضوع زن و خانواده

مشخصات کتاب

سرشناسه : خامنه ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ -

عنوان و نام پدیدآور : بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در سومین نشست اندیشه های راهبردی با موضوع زن و خانواده / تهیه و تنظیم انتشارات زائر آستان مقدس.

مشخصات نشر : قم: آستانه مقدسه قم، انتشارات زائر، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری : ۳۲ص.؛ ۵/۱۶ × ۱۲ س م.

فروست : آستانه مقدسه قم، انتشارات زائر؛ ۲۲۷.

شابک : ۶۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۱۸۰-۲۰۱-۳:

وضعیت فهرست نویسی : فایا

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع : خامنه ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - --دیدگاه درباره زن

موضوع : خامنه ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - -- پیام ها و سخنرانی ها

شناسه افزوده : نشست اندیشه های راهبردی (سومین : ۱۳۹۰ : تهران)

شناسه افزوده : آستانه مقدسه قم. انتشارات زائر

رده بندی کنگره : DSR۱۶۹۲ / ۹ز ب ۹ ۱۳۹۱

رده بندی دیویی : ۹۵۵/۰۸۴۴۹۲

شماره کتابشناسی ملی : ۲۸۴۲۵۶۲

ص: ۱

اشاره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اللَّهُمَّ سَدِّدِ السُّتُنَا بِالصَّوَابِ وَالْحِكْمَةِ

خوش آمد عرض می کنم به همه ی برادران و خواهران، و تشکر می کنم از شرکت حضار محترم در این کار دسته جمعی بسیار با اهمیت. همچنین تشکر ویژه ای دارم از سخنرانان و سخنگویان؛ چه آنهایی که مطالبی را عرضه کردند، چه آنهاییکه اعتراضاتی را بیان کردند. از رئیس و مدیر برنامه، جناب آقای دکتر واعظ زاده هم صمیمانه تشکر می کنم؛ هم به خاطر اداره ی خوب این جلسه، و هم بیشتر به خاطر تمهید و سازماندهی اساسی ای که برای شکل و محتوای این جلسه، ایشان به کمک یک جمعی در طول چند ماه انجام دادند.

هدف از این جلسه و این نشستها، تبادل نظر عالمانه با جمع های نخبگانی است درباره ی مسائل اساسی کشور. اگر گفته می شود اندیشه های راهبردی، بله، در واقع سعی بر این است که به یک اندیشه برسیم؛ منتها می توان تقسیم کرد، تنوع کرد؛ اندیشه در باب عدالت، اندیشه در باب زن و خانواده؛ بعد فهرست طولانی ای داریم در حدود بیست و چند موضوع، که هر کدام از اینها عنوان اندیشه رویش دارد؛

ص: ۴

اندیشه‌ها به این لحاظ است؛ وَاَلَّا بنا بر این است که این جمع نخبگانی با زایش فکری و معنوی و کمکی که به اسلام و نظام جمهوری اسلامی خواهند کرد، ان شاءالله در هر زمینه‌ای به یک نظر واحد و یک اندیشه‌ی واحد برسیم.

البته در این جلسات، غرض این نیست که ما از صفر تا صد یک موضوع را بررسی کنیم - که عملی هم نیست - غرض، باز شدن راه مواجهه‌ی با مسائلی است که برای یک کشور و برای آینده مطرح است. می‌خواهیم به خصوص از جهات نظری گشایشی بشود، راهی باز شود، تا نخبگان کشور، مغزهای فعال کشور و مجربان در هر رشته‌ای بتوانند سهمی بر عهده بگیرند برای انعقاد یک فکر صحیح، که قاعده‌ی اجرا و عمل و برنامه‌ریزی خواهد شد؛ قصد این است. هم در عرصه‌ی نظری، ما نقاط ضعفی داریم، نقاط قوتی داریم؛ هم در عرصه‌ی کاربردی، نقاط ضعفی داریم، نقاط قوتی داریم؛ اینها در این جلسات شناخته می‌شود. با بحثی که صاحب نظران و مجربان هر رشته‌ای با تکیه‌ی بر معلومات و دستاوردهای علمی خود می‌کنند، ما می‌توانیم نقاط قوت خودمان را تشخیص بدهیم و نقاط ضعف خودمان را هم تشخیص بدهیم و درصدد علاج بریائیم. بخواهیم آن نقاط رخنه‌پذیر یا نقاط سست را ترمیم کنیم، اصلاح کنیم و ضعف‌ها را برطرف کنیم.

ص: ۵

باید بدانیم در حوزه ی نظریه پردازی، کجا جلوئیم، کجا عقبیم. یک جاهائی واقعاً ما جلو هستیم، در یک مواردی هم واقعاً عقبیم. در همین زمینه ی مسئله ی زن، این همه منابع و تعالیم اسلامی در دسترس ماست: آیات کریمه ی قرآن؛ چه آیاتی که مستقیماً به این مسئله ارتباط پیدا می کند، و چه آیاتی که با کلیت خود، با عموم و اطلاق خود شامل این مورد می شود، در اختیار ماست؛ اینها را باید تئوریزه کنیم؛ به شکل نظریه ها و مجموعه های قابل تشعب، قابل استفاده و قابل استنتاج دریاوریم و در اختیار همه بگذاریم؛ هم در اختیار خودمان برای برنامه ریزی، هم در اختیار مخالفین، هم در اختیار استفسارکنندگان؛ که اشاره کردند و درست است. امروز در دنیا استفسارکنندگان و سؤال کنندگان از نظرات جمهوری اسلامی - که تجربه ی سی ساله ای را با خود دارد - زیاد شده اند. البته شماها هم قاعدتاً اطلاع دارید، ما هم از کلانش اطلاع داریم؛ زیاد مراجعه می کنند، زیاد می پرسند، در موضوعات مختلف زیاد می خواهند بدانند، که در جمهوری اسلامی چه چیزی وجود دارد. خوب، اینها را باید برای آنها فراهم کرد.

قبلاً دو تا نشست داشتیم: یک نشست مربوط به الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت بود، یک نشست هم مربوط به عدالت بود؛ که اگرچه دو موضوع جداگانه هستند، اما در طول همنند. کارهای خوبی انجام گرفته. من مایلم برادران و خواهران این را بدانند؛ چون در کاری که از حالا به

بعد می خواهیم نسبت به موضوع امشب داشته باشیم، تأثیر می گذارد. بدانید کار با جدیت پیش می رود. آقای دکتر واعظ زاده اشاره کردند. تفصیل کارهائی که شده، بیش از آن مقداری است که حتی ایشان به عنوان گزارش گفتند؛ چون بنای بر اختصار داشتند. کارهای جدی خوبی شده. به خصوص این مرکزی که برای الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت تشکیل شد، با کمک محققین مشغول کارهای بسیار خوبی است. در واقع این جلسات هر کدام بذری را در یک سرزمین مستعدی می پاشد. آبیاری این سرزمین به عهده ی عواملی است که بعضی تا حالا تمهید شده اند، بعضی هم در فکر هستیم که ان شاءالله تمهید بشوند. البته فضای عمومی جامعه هم کمک میکند تا بیابد. ما خیلی عجله هم نداریم. البته مایلیم کارها سریع پیش برود - یعنی با تنبلی و عقب ماندگی و اینها هیچ موافق نیستیم - اما شتابزدگی در کار نیست. ما نمی خواهیم شتابزده کار کنیم؛ می خواهیم کار، متین، عمیق، ماندگار، قابل عرضه و قابل دفاع از آب دربیاید. ان شاءالله این جلسات - هم این جلسه، هم دو جلسه ی قبلی - این نقش را ایفاء خواهد کرد؛ من یک اطمینانی به این معنا دارم.

مسئله ی زن و خانواده برای کشور، جزو مسائل درجه ی یک است. دوستان، خانم ها و آقایانی که آمدند صحبت کردند، این معنا را ثابت کردند. هیچ لزومی ندارد که ما بیش از آنچه شما گفتید و خیلی وسیع

و خوب بیان کردید، چیزی بگوئیم. خود این بیانات نشان داد که مسئله بسیار مهم است. اولاً نقش و سهم بانوان در نظام، یک نقش فوق العاده و ممتاز است؛ همچنان که در اصل انقلاب، نقش بانوان ممتاز بود. حالا شاید جوان های عزیزی که در جلسه هستند و در دوران مبارزات نبودند یا در دوران انقلاب نبودند، نمی دانند آنجا چه اتفاقی افتاد؛ جز از طریق گزارش هایی که همه اش هم متأسفانه ناقص است. همه ی گزارش هایی که از دوران مبارزه و دوران انقلاب بیرون آمده، گزارش های ناقص و یکجانبه و کوتاه است. یک کار بزرگی هم در این زمینه داریم، که اگرچه جزو اندیشه های راهبردی نیست، اما جزو کارهای راهبردی است و ان شاءالله باید دنبال شود. آن کسانی که سابقه دارند، می دانند که زنان، هم در دوران مبارزه نقش داشتند، هم به خصوص در همان دوران انقلاب - یعنی آن یک سال و نیمی که حرکت انقلابی عمومی شروع شد - نقش داشتند. زنان یک نقش مؤثر و بی جایگزین داشتند؛ که اگر نبودند زنان توی این اجتماعات، بلاشک این اجتماعات عظیم و این تظاهرات عظیم، آن اثر را نمی بخشید؛ علاوه بر اینکه در بعضی جاها مثل مشهد ما، اصلاً شروع این تظاهرات، از زنان شد. یعنی اولین حرکت عمومی مردمی، یک حرکت زنانه بود. البته مورد تعرض پلیس هم قرار گرفتند. بعد از آن بود که حرکت های مردانه راه افتاد. هم در مبارزات اینجور بود، هم در ایفای نقش در تشکیل نظام، هم در دوران

بسرعت پدید آمده ی بعد از تشکیل نظام؛ یعنی دوران جنگ، دوران محنت، دوران امتحان سخت؛ «حتی اذا ضاقت علیهم الارض بما رحبت» (۱). اوضاع و احوال در دوران جنگ سخت شد. حالا- بعضی ها جنگ را از تلویزیون و رادیو و اینها میشنفتند، بعضی ها با جسم و جان و تنِ خودشان توی میدان جنگ بودند. این گزارش های پر از حماسه و شور که از جنگ داده می شود، همه اش هم درست است - من چون خیلی از این کتاب های مربوط به خاطرات رزمندگان را می خوانم، می دانم همه ی اینها درست است - آن شور و شوق و آن عشق به مجاهدت و شوق به شهادت و عدم بیم از مرگ و اینها، همه اش همینی است که توی گزارش ها هست و درست است؛ لیکن نگاه کلان به جنگ، یک نگاه کاملاً محنت بار بود. خب، آن گردانی که جلو با شوق و ذوق دارد می جنگد، او که نمی داند توی قرارگاه اصلی نسبت به مجموعه ی جبهه چه حالتی وجود دارد، چه ضعف هائی هست، چه نگرانی ها و دغدغه های جدی ای هست؛ و پشت سر قرارگاه اصلی، در سطح کلان، در کشور، چه کمبودهائی، چه دلهره هائی وجود دارد. دوران سختی بود. در این دوران سخت، نقش زنان، یک نقش فوق العاده بود؛ نقش مادران شهدا، نقش

ص: ۹

همسران شهدا، نقش زنان مباشر در میدان جنگ، در کارهای پشتیبانی و بعضاً به ندرت در کارهای عملیاتی و نظامی - که من بخش کارهای پشتیبانی اش را خودم از نزدیک در اهواز دیدم - یک نقش فوق العاده بود. زن ها حتی در بخش های نظامی هم فعال بودند؛ همین نوشته ی خانم حسینی - دا - این را نشان می دهد. اینها یک مجموعه ی کاری است که واقعاً با هیچ معیاری، با هیچ ترازویی قابل اندازه گیری نیست. مادر، مادر شهید، مادر دو شهید، مادر سه شهید، مادر چهار شهید؛ شوخی نیست؛ اینها به زبان آسان می آید. بچه ی انسان سرما می خورد، دو تا سرفه می کند، چقدر نگران می شویم؟ یک بچه ی انسان برود کشته بشود، دومی برود کشته بشود، سومی برود کشته بشود؛ شوخی است؟ و این مادر با همان احساسات مادرانه ی سالم و جوشان و پرفوران، آنچنان نقشی ایفاء کند که صد تا مادر دیگر تشویق بشوند بچه هاشان را بفرستند میدان جنگ. اگر این مادرها آن وقتی که جنازه ی بچه هاشان می آمد یا حتی نمی آمد، آه و ناله می کردند، گله می کردند، یقه چاک می زدند، اعتراض به امام و اعتراض به جنگ می کردند، مطمئناً جنگ در همان سال های اول و در همان مراحل اول زمینگیر می شد. نقش مادران شهدا این است.

همسران صبور شهدا، زن های جوان، شوهران جوان خودشان را در آغاز زندگی شیرین خانوادگی مورد آرزو از دست بدهند. اولاً راضی

بشوند این شوهر جوان بلند شود برود جائی که ممکن است برنگردد؛ بعد هم شهادت او را تحمل کنند؛ بعد هم افتخار کنند، سرشان را بالا بگیرند. اینها آن نقش های بی بدیل است. بعد آنچه که تا امروز ادامه دارد، همسری با جانبازان است. خانم هائی رفتند همسر جانبازان شدند. یک مرد ناقص معیوبِ احیاناً بداخلاق به خاطر وضع جسمی یا اختلالات ناشی از موج گرفتگی و غیره را انسان به عنوان یک متعهد و یک مسئول، داوطلبانه و بدون هیچ اجباری برود پذیرائی اش را به عهده بگیرد، خیلی فداکاری کرده است. یک وقت شما می گوئید من می آیم روزی دو ساعت از شما پذیرائی می کنم. خب، هر روزی که شما می روید، او از شما تشکر می کند. یک وقت هست که نه خیر، شما خودتان را به عنوان همسر او توی خانه ی او می گذارید؛ شدید بدهکار! یعنی طبیعت کار این است که باید شما این کار را بکنید. اینها این فداکاری را کردند. اصلاً نمی شود نقش زنان را محاسبه کرد.

و من اقرار کنم، اعتراف کنم؛ اول کسی که این نقش را فهمید، امام بزرگوار ما بود - مثل خیلی چیزهای دیگری که اول او فهمید، در حالی که هیچکدام از ماها نمی فهمیدیم - همچنان که امام نقش مردم را فهمید. امام تأثیر حضور مردم را درک کرد، آن وقتی که هیچ کس درک نمی کرد. بزرگانی با یک تعبیرات زشتی به ما می گفتند که شما فکر می کنید با همین مردم می شود کار بزرگی انجام داد؟! آنچنان با

تحقیر حرف می زدند، کأنه اصلاً انسان نیست آن کسی که به او اشاره می کنند! امام نه؛ امام قدر مردم را دانست، مردم را شناخت، توانائی های آنها را درک کرد، کشف کرد، فراخوان داد. امام چون صادق بود، چون سخن از آن دل پاکِ بزرگِ نورانی بیرون می آمد، اثر گذاشت؛ لذا همه آمدند توی میدان. آن روزی که روز تشکیل کمیته بود، از همه ی قشرها آمدند توی کمیته؛ دانشجو آمد، استاد آمد، طلبه آمد، عالم طراز بالا آمد، مردم کوچه و بازار آمدند؛ آمدند عضو کمیته شدند. آن روزی که نوبت جنگ شد، همه به دستور امام رفتند داخل میدان جنگ شدند. آن روزی که امام در اواخر عمرش فرمود باید بروید، بسازید، درست کنید - استغناء - آمدند وارد میدان سازندگی شدند. آن راهگشائی ها تا امروز هم ادامه دارد. به نظر من الان هم هرچه ما داریم پیش می رویم، ضرب دست امام است. ایشان آنچنان این گوی را محکم پرتاب کرده، که حالا حالاها امثال بنده باید دنبالش بدویم. این مردم حرکت کردند. نسل به نسل هم دارد دست به دست می شود.

امام در زمینه ی زن هم همین جور بود. امام نقش زنان را فهمید؛ واً بودند بزرگانی از علما که ما با اینها بگومگو داشتیم، که اصلاً زن ها در تظاهرات شرکت نکنند یا نکنند! آنها می گفتند زن ها در تظاهرات شرکت نکنند. آن حصار محکمی که انسان به او تکیه می داد، خاطر جمع می شد، تا بتواند در مقابل اینجور نظراتی که از مراکز مهمی

هم ارائه می شد، بایستد، حصار رأی امام و فکر امام و عزم امام بود. رحمت خدای متعال تا ابدالآبدین بر این مرد بزرگ باد.

به هر حال نقش زنان، یک نقش بی بدیلی است. پس خود این نقش، اقتضاء می کند؛ چون آینده دارد. تازه از عمر انقلاب، سی و دو سال گذشته. سی و دو سال برای یک انسان هم عمر جوانی است، چه برسد برای یک تاریخ. این نظام الهی باید صدها سال عمر کند. ما هنوز در اول جوانی اش هستیم. آینده احتیاج دارد به این حضور زنانه در مجموعه ی حضور ملی.

پس بایستی ما راجع به مسئله ی زن و حفظ این ظرفیت که در جامعه ی ما وجود دارد، تلاش کنیم. این دلیل اول است برای اینکه باید به مسئله ی زن پردازیم. دلیل دوم، مسئله ی خانواده است. گویندگان محترم امشب درباره ی خانواده بسیار بحث های خوبی کردند. حقیقتاً بحث ها خوب بود. من اگر بخوام داوری کنم، خواهم گفت که متوسط بحث ها از سطح خوب بالاتر بود؛ حرف های درست، آمارهای خوب، استنباطهای خوب، استنتاج های خوب، از زوایای مختلف. یک قضیه ی چندبعدی را، از هر بعدی، یک صاحب نظری، یک اندیشمندی بررسی کرد. نورافکن ها را انداختید به پیکره ی این موضوع حساس و مهم. انسان می تواند این زوایا را ببیند. ما واقعاً استفاده کردیم.

بنابراین مسئله‌ی خانواده، مسئله‌ی بسیار مهمی است؛ پایه‌ی اصلی در جامعه است، سلول اصلی در جامعه است. نه اینکه اگر این سلول سالم شد، سلامت به دیگرها سرایت می‌کند؛ یا اگر ناسالم شد، عدم سلامت به دیگرها سرایت می‌کند؛ بلکه به این معناست که اگر سالم شد، یعنی بدن سالم است. بدن که غیر از سلول‌ها چیز دیگری نیست. هر جهازی، مجموعه‌ی سلول‌هاست. اگر ما توانستیم سلول‌ها را سالم کنیم، پس سلامت آن جهاز را داریم. مسئله اینقدر اهمیت دارد.

جامعه‌ی اسلامی، بدون بهره‌مندی کشور از نهاد خانواده‌ی سالم، سرزنده و بانشاط، اصلاً امکان ندارد پیشرفت کند.

بالخصوص در زمینه‌های فرهنگی و البته در زمینه‌های غیر فرهنگی، بدون خانواده‌های خوب، امکان پیشرفت نیست. پس خانواده لازم است. حالا نقض نشود که شما می‌گوئید در غرب خانواده نیست، پیشرفت هم هست. آنچه که امروز در ویرانی بنیاد خانواده در غرب روزه روز بیشتر دارد نمودارهایش ظاهر می‌شود، اینها اثرش را خواهد بخشید؛ هیچ عجله‌ای نباید داشت. حوادث جهانی و حوادث تاریخی اینجور نیست که زودبازده و زوداثر باشد؛ اینها بتدریج اثر خواهد گذاشت؛ کما اینکه تا حالا هم اثر گذاشته. آن روزی که غرب به این پیشرفت‌ها دست پیدا کرد، در آنجا هنوز خانواده سر جای خودش بود؛ حتی مسئله‌ی جنسیت با همان رعایت‌های اخلاقی جنسی - البته نه به

شکل اسلامی، بلکه به شکل خاص خودش - وجود داشت. اگر کسی با معارف غربی آشنا باشد، هم در اروپا و هم بعداً در آمریکا این را می بیند و مشاهده می کند. این مسئله ی رعایت های اخلاقی دو جنس نسبت به یکدیگر، مسئله ی حیا، پرهیز از تهمت، اینها چیزهایی بود که آن روز وجود داشت. این بی بندوباری ها و اباحیگری ها به تدریج در آنجا به وجود آمده. آن روز یک زمینه هائی فراهم شد و به اینجا رسید. وضع امروز هم فردای بسیار تلخ و سختی را برای آنها رقم می زند. این هم جهت دوم.

جهت سوم هم این است که در این سی و دو سال، مسئله ی زن از نظر جبهه ی دشمنان ما، در یکی از بالانشین های جدول اعتراض ها به ماست. از اول انقلاب روی مسئله ی زن تکیه کردند، به ما اعتراض کردند، در ردیف تروریسم و در ردیف نقض حقوق بشر قلمداد کردند. هنوز هیچ خبری هم نبود. معلوم هم نبود که جامعه ی اسلامی با جنس زن چه کار خواهد کرد. آنها شروع کردند که: اسلام علیه زن است، اسلام چنین است. البته این مسئله تا امروز هم ادامه دارد. خب، ما در این زمینه بایستی مواجهه کنیم، مقابله کنیم. افکار عمومی جهان را نمی شود دست کم گرفت. همه که مغرض نیستند، همه که خباثت ندارند؛ خباثت مال یک عده ی خاص است، مال سیاستگران و

سیاست سازان و برنامه ریزان و اینهاست؛ ما نباید اجازه بدهیم که عامه ی مردم دچار این اغوای بزرگ قرار بگیرند؛ لذا باید وارد شویم.

البته این را هم بگوئیم؛ غرب رندانه از زیر بار طرح مسئله ی خانواده در می رود. توی همه ی بحث هائی که اینها می کنند، بحث زن هست، اما اصلاً بحث خانواده نیست. خانواده، نقطه ی ضعف غرب است. مسئله ی زن را مطرح می کنند، اما اصلاً اسم خانواده را نمی آورند؛ با اینکه زن از خانواده جدا نیست. بنابراین رسیدن به این مسئله، لازم است.

خب، این جلسه هم که خیلی خوب بود. آنچه که ما در این جلسه فهمیدیم، علاوه بر استفاده ای که از محتوای مطالب دوستان کردیم، مهم این بود که فهمیدیم در حوزه ی زن و خانواده، از لحاظ علمی - کارشناسی، کارهای بر زمین مانده الی ماشاءالله داریم. اینقدر کار بر زمین مانده داریم که بعضی از همین پیشنهادهایی که دوستان کردند - که مرکز چینی تشکیل شود، مرکز چنانی تشکیل شود - همه اش درست است؛ باید واقعاً بشود. البته ما قبلاً با دوستانی که در دفتر هستند، آقای واعظ زاده و دیگران، درباره ی ادامه ی کار این نشست در مورد مسئله ی زن و خانواده صحبت کردیم؛ کارهایی در ذهن دارند. هم در زمینه ی مسائل نظریه پردازی کارهای مهمی ان شاءالله انجام خواهد گرفت، هم در زمینه ی گفتمان سازی، و هم در زمینه ی نزدیک کردن

این گفتمان به اجرا؛ که البته اگر به صورت گفتمان در آمد، اجرای آن دیگر کار دشواری نیست. یعنی همان اشکالاتی که به مجلس و شورای نگهبان و دولت و غیره دارند، همه ی آنها برطرف می شود. گفتمان یک جامعه مثل هواست، همه تنفسش می کنند؛ چه بدانند، چه ندانند؛ چه بخواهند، چه نخواهند. باید این گفتمان سازی انجام بگیرد؛ که البته نقش رسانه ها و بالخصوص نقش روحانیون و نقش بزرگان و اساتید دانشگاهی حتماً نقش بارز و مهمی است.

خب، ما باید در این زمینه، خلأهای نظری را پر کنیم. نتیجه این خواهد شد که سرمایه گذاری پژوهشی در حد طاقت لازم است؛ این را ما تصدیق می کنیم. ما با مراجعه ی به مقاله های دوستان - که چکیده ی مقاله ها و خود مقاله ها را قبلاً به من دادند، من هم یک مروری کرده ام - به این نتیجه می رسیم که بایستی مجموعه ی نظام، سرمایه گذاری مهمی در حد طاقت و امکانات خود در زمینه ی پژوهش در این مسئله بکند.

دوم: بررسی و نقد نظریه های رائج دنیا، بدون انفعال. این مسئله ی بدون انفعال، خیلی مسئله ی مهمی است. البته من امشب از اولین سخنران که مطالبی را بیان کردند، تا آخر، این روح را دیدم؛ دیدم نگاه، نگاه انتقادی است به وضعی که در غرب در مورد زن و به خصوص در مورد خانواده وجود دارد. البته انتقادهائی که شما به غرب کردید، بیشتر

در زمینه ی خانواده بود؛ اما عقیده ی من این است که بیشترین جریمه ی غرب در مسئله ی زن و خانواده، در نگاهش به زن است؛ و این را با یک جمله و دو جمله نمی شود توصیف کرد. بزرگترین ضربه و اهانت به کرامت زن را همین سیاست غربی دارد انجام می دهد. همین فمینیست های افراطی هم - که خب، لایه های متعددی دارند - من حیث لایشعر دارند به زن ضربه می زنند. حالا من حیث لایشعر که می گوئیم، نگاه خوشبینانه است - یعنی اینهایی که دست اندرکارند، ظاهراً نمی فهمند چه کار دارند می کنند - احتمال دارد سیاست گذارانی، برنامه ریزانی در پشت صحنه هستند که آنها می فهمند دارند چه کار می کنند؛ کمالینکه این احتمال در همان پروتکل های صهیونیسم کاملاً پیش بینی شده. یعنی ضایع کردن جنس زن و او را مظهري برای استفاده ی شهوانی مرد قراردادن، در مواد آن پروتکل ها هست. حالا ممکن است کسی در اعتبار و صحت سند آن پروتکل خدشه کند، لیکن وقتی آدم دستگاه صهیونیسم و شبکه ی تبلیغاتی صهیونیسم را ملاحظه می کند، می بیند عملاً همین کار را می کنند؛ حالا اگر هم برایشان واجب نشده، به نحو مستحب دارند انجام می دهند؛ ملتزمند این کار را بکنند، و دارند می کنند. زن را ضایع می کنند. یعنی آنچه آن رسم و عرف و عادت لایتخلف شده که کسانی جرأت نمی کنند برخلاف آن رفتار کنند. در یک مجلس رسمی، یک مرد باید با لباس رسمی

بیاید؛ پایون بزند، یقه اش بسته باشد، آستینش هم تا سر مچ باشد؛ نه اجازه دارد شلوارک بپوشد، نه اجازه دارد تی شرت بپوشد؛ اما یک خانم در همان جلسه رسمی، حتماً بایستی بخش های مهمی از بدنش عریان باشد؛ اگر پوشیده ی کامل بیاید، محل اشکال است؛ اگر بدون جذابیت ها بیاید، محل اشکال است؛ اگر آرایش نکرده بیاید، محل اشکال است! این شده عرف. افتخار هم می کنند. در غرب، به خصوص در آمریکا و در شمال اروپا - کشورهای اسکاندیناوی - مراکز مهمی وجود دارد که اصلاً بنای کارش بر عرضه ی جنسی زن در مقابل مرد است؛ در روزنامه ها و مجلات هم تبلیغ می شود، هیچ کس هم اعتراض نمی کند! این شده عرف، این شده عادت. چه ضربه ای برای زن از این بالاتر؟ الگو درست کردن برای زنان به این شکل - زنانِ خودشان را می گویم، و کشورهایی که دنباله رو آنهایند، نه زنان ما را - یکی از بزرگترین ضربه هائی است که دارند می زنند. بنابراین نباید در مقابل این فرهنگ غلط انفعال داشت. غرب در قضیه ی زن و خانواده، در یک گمراهی و ضلالت عمیقی به سر می برد. فقط خانواده نیست؛ بلکه در مورد شخصیت زن، هویت زن، غرب در یک گمراهی عجیبی است.

ما باید در این بررسی ها، از دارائی های علمی خودمان - که کم هم نیست - استفاده کنیم. ده ها نظریه و الگوی مترقی در همین زمینه ی زن و خانواده می شود استخراج کرد. اینها نظریه پردازی بشود، تئوریزه

بشود، با جوانبش، با اجزایش، تدوین بشود و ارائه بشود. اینها کارهای میان مدت و بلندمدتی است که حتماً بایستی انجام بگیرد. تعالیم ناب و مترقی اسلام در قرآن و حدیث باید مورد استفاده قرار بگیرد.

البته من یک چند تا یادداشت اینجا نوشته ام، اما هم وقت کم است، هم خیلی از حرفها همین جا زده شد؛ بنابراین نیازی نیست که حالا بنده هم آنها را تکرار کنم. از مجموع این چیزهایی که من نوشتم، آنچه که مایلم اینجا عرض کنم، این است که فی الجمله نگاه اسلام به زن - به حیث جنس - یک نگاه فوق العاده متعالی است. به نظر من خیلی از این مشکلات مربوط به بانوان، ناشی است از مشکلات حیات جمعی خانواده، به حیثی که زن در آن محور است. ما خلأهای قانونی و عاداتی و سنتی عجیب و فراوانی داریم. گاهی اوقات خانم هائی با ما تماس میگیرند - یا از مجلس، یا از حوزه، یا از مراجعات گوناگون مردمی، یا از مراکز دیگر - و مشکلاتشان را می گویند؛ این مشکلات عمدتاً مربوط می شود به مشکلات داخل خانواده. اگر زن داخل خانواده امنیت روانی داشته باشد، امنیت اخلاقی داشته باشد، آسایش داشته باشد، سبک داشته باشد، حقیقتاً شوهر برای او لباس محسوب شود - همچنان که او لباس شوهر است - و همچنان که قرآن خواسته، مودت و رحمت بین اینها باشد، و اگر «ولهن مثل الذی

علیهن» (۱) در خانواده رعایت شود - این چیزهایی که اصول کلی و اساسی است - آنگاه مشکلات بیرون خانواده برای زن قابل تحمل خواهد شد؛ اصلاً بر اینها فائق می آید. اگر زن در آسایشگاه خود، در سنگر اصلی خود، بتواند مشکلات خودش را کاهش بدهد، بلاشک در عرصه ی اجتماع هم خواهد توانست.

هم در مسئله ی خود زن، هم در مسئله ی خانواده، اسلام حرف های جالب، برجسته و مهم دارد. اولاً نگاه اسلام به جنسیت، یک نگاه درجه ی دو است؛ نگاه اول و درجه ی یک، حیث انسانیت است؛ که در آن، جنسیت اصلاً نقشی ندارد. خطاب، انسان است. البته «یا ایها الذین ءامنوا» است، «یا ایها الذین ءامنن» نیست؛ یعنی صیغه ی ءامنوا، صیغه ی مردانه است، نه صیغه ی زنانه؛ اما این به هیچ وجه به معنای این نیست که در این خطاب، مرد بر زن ترجیح دارد؛ این ناشی از عوامل دیگر است؛ آن عوامل هم برای ما روشن است. حالا نمی خواهیم وارد آن بشویم که چرا ما مثلاً در زبان فارسی جمعیت را می گوئیم مردم؛ از مرد می گیریم، نمیگوئیم زُم؛ در انگلیسی «HUMAN»، چرا «MAN»؟ این نشانه ی این نیست که غلبه ی فرهنگ مردانه این را به وجود آورده و در لغت یک چنین تصرفی کرده؛ نه، این یک عوامل دیگری دارد.

ص: ۲۱

بالاخره در داخل خانواده، مرد نمای بیرونی است، زن نمای داخلی است. بخواهید یک خرده ذوقی تر بگوئید، مرد پوست بادام است، زن مغز بادام است. از این قبیل تعبیرات می شود کرد. مرد ظاهرتر است، ساختمان او اینجوری است؛ خدای متعال او را برای این کار ساخته و پرداخته، زن را برای یک کار دیگری؛ بنابراین بروز و ظهور و نمایش و نمود داشتن در مرد بیشتر است؛ به خاطر همین خصوصیات، نه به خاطر ترجیح. اما در زمینه ی مسائل اصلی انسان - که مربوط به انسان است - زن و مرد هیچ فرقی ندارند. خب، شما ببینید در تقرب الی الله، یک زنی مثل حضرت زهرا^۳، مثل حضرت زینب^۳، مثل حضرت مریم^۳ هستند؛ رتبه شان، رتبه های فوق تصور امثال ماهاست. در آیه ی شریفه ی سوره ی احزاب، زن و مرد هیچ فرقی با هم ندارند؛ شاید اصلاً این هم به خاطر همین است که خواستند آن تصورات جاهلی مربوط به زن را بکوبند «انّ المسلمین و المسلمات و المؤمنین و المؤمنات و القانتین و القانتات و الصادقین و الصادقات و الصّابرين و الصّابرات و الخاشعین و الخاشعات و المتصدّقین و المتصدّقات و الصّیّئین و الصّیّئات و الحافظین فروعهم و الحافظات و الذّاکرین الله کثیرا و الذّاکرات». از اسلام تا ذکر، یک فاصله ای است. یک سلسله مدارک متدرّجی هم وجود دارد. آدم در این تعبیرات دقت کند، این را پیدا می کند. «أعد الله لهم مغفرة و أجراً عظیماً» همه جا مرد، زن:مرد، زن:مرد، زن:مرد متصدق، زن متصدق، با هم هیچ فرقی ندارند.

در سوره ی مبارکه ی آل عمران، بعد از آن «رَبَّنَا»ها می گوید: «فاستجاب لهم ربهم أنى لا اضيع عمل عامل منكم من ذكر او انثى بعضكم من بعض»(۱)مرد و زن هیچ تفاوتی ندارند.حتی یک جا برای کوبیدن همین اندیشه های جاهلی که عرض کردم، زن را از مرد بالا می کشد.که یک چنین حالتی را جز در مورد اشخاص،انسان در قرآن دیگر پیدا نمیکند: «ضرب الله مثلاً للذین کفروا المرأت نوح وامرأت لوط»(۲)نمودار کفار، این دو تا زنند: «امرأت نوح و امرأت لوط». نه نمودار برای زنها؛ نه، برای زن و مرد.«کانتا تحت عبدین من عبادنا صلحین فخانتهما»(۳) تا آخر. «و ضرب الله مثلاً للذین

ص:۲۳

۱- تحریم: ۱۰

۲- تحریم: ۱۰

۳- تحریم: ۱۰

«امنوا امرأت فرعون»؛ خدای متعال اینجا هم برای مؤمنین دو تا زن را اسم می آورد. حالا شما ببینید از اول تاریخ تا آخر دنیا، چه تعداد مؤمن، اعم از بزرگان، صلحا، اولیاء، انبیاء آمدند و رفتند. وقتی میخواهد برای اینها یک نمودار، یک مجسمه، یک نماد معرفی کند، دو تا زن را معرفی می کند: یکی « وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنْ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» (۱) تا آخر -دوم «وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَيْنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِنْ رُوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا مِنَ الْقَائِنِينَ» (۲) اصلاً چیز عجیبی است. بنابراین جنسیت یک امر ثانوی است، یک امر عارضی است؛ در کارکردهای زندگی معنا پیدا می کند، در سیر اصلی بشر هیچ تأثیری ندارد و معنایی پیدا نمی کند. حتی کارهایشان با هم متفاوت است. «جهاد المرأه»

ص: ۲۴

۱- تحریم: ۱۱

۲- تحریم: ۱۲

حسن التَّبَعْل» (۱) یعنی ثواب مجاهدت آن جوانی را که رفته توی میدان جنگ و جان خودش را کف دستش گرفته، به خاطر این کار، به این زن می دهند؛ چون این کار هم زحمتش کمتر از آن نیست. البته شوهرداری خیلی سخت است. با توقعاتشان، با انتظاراتشان، با بداخلاقی هاشان، با صدای کلفتشان، با قد بلندترشان؛ خب، زنی بتواند با این شرائط، محیط خانه را گرم و گیرا و صمیمی و دارای سکینه و آرامش - سَیِّکَن - قرار بدهد، خیلی هنر بزرگی است؛ این واقعاً جهاد است؛ این شعبه ای از همان جهاد اکبری است که فرموده اند؛ جهاد با نفس است.

حالا- در مورد خانواده، حرف خیلی زیاد است. مسئله ی همسری، مسئله ی مادری، اینها همه اش باید تفکیک شود. زن در خانواده یک نقش همسری دارد؛ این نقش همسری، فوق العاده است؛ ولو اصلاً مادری ای وجود نداشته باشد. فرض کنید زنی است؛ یا مایل نیست به زایمان، یا به هر دلیلی امکان زایمان برایش وجود ندارد؛ اما همسر است. نقش همسری را نباید دست کم گرفت. ما اگر می خواهیم این مرد در داخل جامعه یک موجود مفیدی باشد، باید این زن در داخل خانه همسر خوبی باشد؛ وَاَلَا نَمِی شُود.

ص: ۲۵

ما در دوران مبارزه و بعد از دوران مبارزه، دوران پیروزی انقلاب، آزمایش کردیم؛ مردانی که همسران همراه داشتند، هم در مبارزه توانستند پایدار بمانند، هم بعد از انقلاب توانستند خط درست را ادامه بدهند. البته عکسش هم بود. من گاهی به این دخترها و پسرهایی که می آمدند خطبه ی عقدشان را می خواندم - آن وقت هائی که می خواندم؛ حالا که توفیق ندارم - می گفتم خیلی از خانم ها هستند که شوهرهاشان را اهل بهشت می کنند؛ خیلی خانم ها هم هستند که شوهرانشان را اهل جهنم می کنند؛ دست آنهاست. البته مردها هم عیناً همین نقش را دارند. در باب خانواده، نقش مردها را هم بایستی نادیده نگرفت. بنابراین نقش همسری، یک نقش بسیار مهمی است. بعد هم نقش مادری است؛ که خب، اینجا مفصل بیاناتی کردند و خیلی بحث زیاد است.

از جمله ی مسائلی که مطرح می شود، مسئله ی اشتغال بانوان است. اشتغال بانوان از جمله ی چیزهایی است که ما با آن موافقیم. بنده با انواع مشارکت های اجتماعی موافقم؛ حالا چه از نوع اشتغال اقتصادی باشد، چه از نوع اشتغالات سیاسی و اجتماعی و فعالیت های خیرخواهانه و از این قبیل باشد؛ اینها هم خوب است. زن ها نصف جامعه اند و خیلی خوب است که اگر ما بتوانیم از این نیم جامعه در زمینه ی اینگونه مسائل استفاده کنیم؛ متنها دو سه تا اصل را باید

ندیده نگرفت. یک اصل این است که این کار اساسی را - که کار خانه و خانواده و همسر و کدبانویی و مادری است - تحت الشعاع قرار ندهد. می شود هم. به نظرم می رسد مواردی داشتیم که خانم هائی اینطور عمل می کردند. البته یک قدری به آنها سخت می گذرد؛ هم درس خواندند، هم درس دادند، هم خانه داری کردند، بچه آوردند، بزرگ کردند، تربیت کردند. پس ما با آن اشتغال و مشارکتی کاملاً موافق هستیم که به این قضیه ی اصلی ضربه و صدمه نزنند؛ چون این جایگزین ندارد. شما اگر بچه ی خودتان را در خانه تربیت نکردید، یا اگر بچه نیاوردید، یا اگر تارهای فوق العاده ظریف عواطف او را - که از نخ های ابریشم ظریف تر است - با سرانگشتان خودتان باز نکردید تا دچار عقده ی [عاطفی] نشود، هیچ کس دیگر نمی تواند این کار را بکند؛ نه پدرش، و نه به طریق اولی دیگران؛ فقط کار مادر است. این کارها، کار مادر است؛ اما آن شغلی که شما بیرون دارید، اگر شما نکردید، ده نفر دیگر آنجا ایستاده اند و آن کار را انجام خواهند داد. بنابراین اولویت با این کاری است که بدیل ندارد؛ تعیین با این است.

آن وقت همین جا وظیفه ای بر دوش دولت است. باید به آن خانم هائی که حالا به هر دلیلی، به هر جهتی، با هر ضرورتی، کار تمام وقت یا نیمه وقت را قبول کرده اند، کمک بشود تا بتوانند به مسئله ی مادری برسند، به مسئله ی خانه داری برسند. با مرخصی ها، با

زمان بازنشستگی، با مدت کار روزانه، به نحوی بایستی دولت کمک کند تا این خانمی که حالا به هر دلیلی آمده اینجا شاغل شده، بتواند به آن قضیه هم برسد.

دومین مسئله، مسئله ی محرم و نامحرم است. مسئله ی محرم و نامحرم در اسلام جدی است. البته بخش عمده ای از این قضیه ی محرم و نامحرم باز برمی گردد به خانواده. یعنی چشم پاک و دل بی وسوسه و ریب برای هر یک از زوجین موجب می شود که محیط خانواده از طرف او تقویت و گرم شود؛ مثل یک کانون گرمابخشی، محیط را گرم می کند. اگر آن طرف مقابل هم همین چشم پاک و دل خالی از وسوسه را داشت، طبعاً این دوجانبه خواهد شد و محیط می شود محیط کانون خانوادگی گرم و بامحبت. اگر چنانچه نه، چشم خائن، دست خائن، زبان دو وجه، دل بی محبت و بی اعتقاد به همسر و همسری وجود داشت، ولو ظاهرسازی هائی هم باشد، محیط خانواده سرد می شود.

در مقالات دوستان خواندم که همین بیرون رفتنها و همین اشتغالات و اینها موجب می شود که گاهی سوءظن های بیجا به وجود بیاید. لیکن فرقی نمی کند؛ بالاخره اگر سوءظن پیدا شد، چه سوءظن، مستند درستی داشته باشد، چه نداشته باشد، اثر خودش را می بخشد؛ مثل گلوله ای است که از این لوله بیرون می آید؛ اگر توی سینه ی کسی خورد، می کشد؛ چه این شخص عامد باشد، چه اشتباهاً دستش رفته

باشد روی ماشه. گلوله فرقی نمی گذارد. گلوله نخواهد گفت چون کسی که من را شلیک کرد، عامد نبود، پس من سینه ی این طرف مقابل را نَدرم؛ نه، گلوله می دَرَد. این سوءظن کار خودش را می کند؛ چه منشأ درستی داشته باشد، چه ناشی از وسواس و مثلاً تصورات و توهمات بیجا باشد.

یک نکته هم مسئله ی ازدواج است. ازدواج یک تقدسی دارد از نظر ادیانی که حالا من می شناسم. من در این خصوص، تفحص زیادی نکردم. بد هم نیست که بعضی از دوستانِ آماده ی به کار در این زمینه تفحص کنند. غالباً مراسم ازدواج، یک مراسم مذهبی است؛ مسیحی ها آن را توی کلیسا انجام می دهند، یهودی ها آن را در کنائسشان انجام می دهند؛ مسلمان ها هم اگرچه در مسجد انجام نمی دهند، اما اگر بتوانند، در مشاهد مشرفه، وَاَلَا در ایام متبرک دینی و عمدتاً به وسیله ی رجال دین، این را انجام می دهند. رجل دینی هم وقتی برای ازدواج نشست، مبالغی دین بیان می کند. بنابراین صبغه، کاملاً صبغه ی دینی است. ازدواج یک جنبه ی قدسی دارد؛ این جنبه ی قدسی را نباید از آن گرفت. گرفتن جنبه ی قدسی به همین کارهای زشتی است که متأسفانه در جامعه ی ما رائج شده. این مهریه های سنگین به خیال اینکه می تواند پشتوانه ی حفظ خانواده و حفظ زوجیت باشد، تعیین می شود؛ در حالی که اینجور نیست. حداکثر این است که شوهر از دادن

امتناع می کنند، میبرندش زندان؛ یک سال، دو سال زندان می ماند. در این اقدام، به زن چیزی نمی رسد؛ او بهره ای نمی برد، جز اینکه کانون خانواده اش هم متلاشی می شود. اینکه در اسلام از حضرت امام حسین ۷ نقل شده که فرمود ما دخترانمان و خواهرانمان و همسرانمان را جز با مهرالسینه عقد نکردیم، به خاطر این است؛ و آلا می توانستند. اگر امام حسین ۷ می خواست مثلاً با هزار دینار هم عقد بکند، می توانست؛ لازم نبود مثلاً با پانصد درهم - دوازده و نیم اوقیه - مقید به این کار بشود. آنها می توانستند، اما کمش کردند. این کم کردن، با یک محاسبه است؛ این خیلی خوب است.

یا همین تشریفات زائد ازدواج - خرج های زیاد، مجالس متعدد - که واقعاً انسان دلش می گیرد وقتی می شنود. اینها از آن مواردی است که گفتمان سازی می خواهد. خانم های مؤثر، آقایان مؤثر، اساتید دانشگاه، روحانیون، به خصوص صدا و سیما و رسانه ها باید در این زمینه ها کار کنند؛ این را از این حالت بیرون بیاورند.

یک کلمه هم درباره ی نقش مردان عرض کنیم. در خانواده هی گفته می شود نقش زن. دلیلش هم واضح است؛ چون زن در خانواده عنصر محوری است. اما اینجور نیست که مرد در خانواده وظیفه و مسئولیت و نقشی نداشته باشد. مردهای بی خیال، مردهای بی عاطفه، مردهای عیاش، مردهای قدرشناس زحمات زن خانه، اینها به محیط

خانه لطمه می زنند. مرد باید قدردان باشد. جامعه باید قدردان باشد. حتماً بایستی بر روی کار زن های خانه دار ارزش گذاری ویژه بشود. بعضی می توانستند بروند کار بگیرند، بعضی می توانستند تحصیلات عالی بکنند، بعضی تحصیلات عالی هم داشتند - من دیدم زنانی را از این قبیل - گفتند ما می خواهیم این بچه را بزرگ کنیم، خوب تربیت کنیم، نرفتم کار بگیریم. زن نرفته کار بگیرد، آن کار هم زمین نمانده؛ آن ده نفر دیگر رفتند آن کار را گرفتند. باید از اینجور زنی قدردانی شود. در بیاناتی که حضرات فرمودند، این بود که مثلاً بیمه هائی برای اینها در نظر گرفته شود. بله، تأمین اقتصادی شان، بیمه شان، بقیه ی چیزهائی که لازم است، باید در نظر گرفته شود.

فرزندان هم نقش دارند. یکی از مهمترین بخشهای خانواده، فرزندانند؛ نقش آنها هم احترام به والدین است. که دیگر حالا این هم داستان مفصلی است.

به هر حال از شما تشکر می کنیم. من از این جلسه راضی هستم. الحمدلله جلسه ی خوبی بود. ان شاءالله خداوند هم از همه ی ما راضی باشد و زحماتی که کشیدید، منظور نظر حضرت بقیهالله ارواحنا فداه باشد و کار هم ان شاءالله دنبال شود و دنبال می شود. یک طرح خوبی هم در زمینه ی یک کار بین المللی در خصوص زن مطرح شد، که حالا- مجال نشد درباره ی آن صحبت کنیم. من آن طرح را دیدم و آن را

تأیید می‌کنم. از نظرات خانمی هم که درباره‌ی مسائل بین‌المللی صحبت کردند، می‌شود استفاده کرد. خوب است یک کار بین‌المللی در زمینه‌ی زنان انجام بگیرد.

خداوند متعال به همه‌ی شماها خیر بدهد.

پروردگارا! رحمت و فضل و هدایت خودت را بر این جمع نازل کن.

پروردگارا! آنچه گفتیم و شنیدیم و انجام دادیم و خواهیم داد، برای خودت و در راه خودت و خالصاً و مخلصاً قرار بده.

پروردگارا! آن را از ما قبول بفرما. پروردگارا! توفیقات خودت را بر این جمع و بر همه‌ی ملت ایران و به خصوص بر مسئولینی که در این زمینه مسئولیتهای زیادی دارند، نازل بفرما.

والسلام علیکم ورحمہ اللہ وبرکاتہ

ص: ۳۲

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

